

# از برای خدا مخوان

مجید محمدی

هنگامی که خاتمی در کتابخانه ملی کار می کرد همنشیشان گهگاهی وی حجاریان و برخی دیگر از منتقدان وضع موجود (بعدا اصلاح طلبان) بودند و ایشان همدلانه مشغول مطالعه فلسفه سیاسی در غرب بود و این امور به اقبال عمومی به ایشان و رویداد خرداد 76 انجامید. پیش از خرداد 76 خاتمی بصراحت در جمع دوستان، نظریه ولایت فقیه یا ممنوعیت های فرهنگی و اجتماعی را نقادی می کرد. اما در چند سالی که ایشان با اهالی مافیا و رهبر چماقداران و اوپاش یعنی خامنه ای و کابینه اش - همه وزیران بالاخره باید توسط خامنه ای وتو نشده باشند یا برخی دیگر از اعضای کابینه مثل لاریجانی که از چهره های کلیدی مافیاست در جلسات هیئت دولت شرکت می کند - در انواع شوراها و جلسات هم نشین شده نه تنها سالهای نقادی یعنی 1376-1371 را فراموش کرده بلکه گهگاه سخنانی می گوید که از جنس ادبیات هم نشینان مافیایی است. این سخنان، دیگر از سر ضرورت ریاست جمهوری بیان نمی شوند بلکه سخنانی هستند که می توانستند زده نشوند. یکی از معروف ترین آنها آن سخن وی بود که در مورد گنجی است که گفت "معلوم نیست که مقصر نباشد" (نقل به مضمون).

سخنان خاتمی در مورد رهبر مافیا و تعریف و تمجید وی از خامنه ای نیز از همین جنس هستند. وی در سخنانی دیگر تقاضای تغییر قانون اساسی را خیانت، هاشمی رفسنجانی را شناسنامه انقلاب، و علی مشکینی را افتخار ایران خوانده است. سخن خاتمی در مورد استرداد مجاهدین خلق بازداشت شده در فرانسه (28 خرداد 1382، به نقل از تلویزیون جهانی بی بی سی) نیز از جنس سخنان اهالی مافیاست. ایشان با چند سناریو در ذهن ممکن است خواستار استرداد بازداشتی های مجاهدین خلق شده باشند. اول آنکه بگوید مقام مسئول کشور و مسئول محافظت از حقوق شهروندان ایرانی است که همه شواهد می گویند چنین نیست. اگر چنین بود وی باید می توانست در مورد اعمال قوه قضاییه کاری می کرد بخاطر جنایات چند سال اخیر محاکمه شوند. دوم آنکه همه بازداشتی ها پس از استرداد همانند زمان خمینی - که سه تا هفت هزار نفر زندانی در عرض یک هفته اعدام شدند - در زمان مقتضی در یک روز در زندان اعدام شده و در لعنت آباد ولایت فقیه دفن شوند و ایشان و دیگر اصلاح طلبان حکومتی در برابر آن سکوت یا آن را تایید کنند؛ و سوم آنکه همانند روزنامه نگاران و فعالان سیاسی که بسیاری از آنها دوستان نمایندگان مجلس هستند در خوشبینانه ترین حالت ماهها در انفرادی بمانند و بعد در دادگاه غیر علنی و بدون وکیل و بدون حضور هیئت منصفه محاکمه شده و به اعدام محکوم شوند. جایی که جانباز جنگ، آغاچری، ظاهرا بخاطر یک سخنانی به اعدام محکوم می شود دیگر می توانید احکام اعضای مسترد شده مجاهدین خلق را حدس بزنید.

در طول بیست و پنج سال فعالیت سیاسی و فرهنگی لحظه ای نبوده که با مشی خشونت آمیز مجاهدین خلق مخالف نبوده باشم اما معتقدم که اعضای این گروه نیز همانند همه انسانها از حقوق قضایی برخوردارند و مطمئنا این حقوق در فرانسه بهتر استیفا می شود تا تهران و خاتمی این را بهتر از همه می داند. مجاهدین خلق با ترور های خود در سالهای آغاز انقلاب سهم عظیمی در تثبیت حکومت روحانیان دارند و به چرخه خشونت در ایران شتاب بخشیدند. عملیات این گروه همواره در تشدید سرکوبها با توجیحات امنیتی موثر افتاده است. نه تنها مردم ایران بلکه هر جامعه ای امنیت را در بالای فهرست انتظارات خود از حکومت قرار می دهند و گروهی که با بمب گذاری و آدم کشی امنیت را مخدوش می کند در مشروعیت بخشیدن به نقض حقوق و آزادیهای مدنی سهم است اما غیر از اهالی مافیا همه فعالان حقوق بشر و سخت ترین مخالفان این گروه از عدم استرداد زندانیان به حکومت وحشت و تحقیر دفاع خواهند کرد.

اگر خاتمی در مورد جنایات علاقه مندان قد رعنا رهبر در خوابگاه طرشت ساکت می ماند، اگر در مورد بسته شدن حدود صد روزنامه و نشریه سخنی نمی گوید، اگر ترور مشاورش توسط دستور مستقیم رهبری را محکوم نمی کند - و همین امر در اثبات اینکه ترور به دستور رهبر انجام گرفته کفایت می کند - اگر بستن مراکز نظر سنجی، مراکز تحقیقاتی و دفاتر نشر پایین تر از آستانه تحریک ایشان است، و اگر مافیا را در اداره امور کشور نمی بیند و ذکری از آن به میان نمی آورد

حداقل می تواند بیش از این سکوت کند و خود را مثل عوامل مافیا جلوه ندهد. خاتمی از مرحله گفتار درمانی به مرحله تحجیب قلوب با مافیای بیان رسیده است.

شش سال سکوت خاتمی در حوزه نقض حقوق شهروندان در دو قلمرو اندیشه و سبک زندگی یعنی در اموری مثل انتخاب نوع پوشش، روابط صمیمانه و جنسی، آرایش و پیرایش و تفریح و سرگرمی تا دسترسی به اطلاعات و اخبار وی و حزب همراه آمده اش یعنی مشارکت را به همانجا رسانده که هاشمی رفسنجانی و حزب کارگزاران به ترتیب در سالهای 76 و 79 رسیدند. ظاهراً عمر احزاب دولت ساخته در جمهوری اسلامی بیش از دولتهای مطبوع آنهاست. تحولات پایان سال 1381 یعنی انتخابات شوراها و سال 1382 یعنی سال "فریادهای در تاریکی" به نوعی پایان دوران اصلاح طلبان درون حکومتی است که این البته پایان اصلاح طلبی نیست.

البته نقد خاتمی در شرایط یاس از پذیرش برخی اصلاحات توسط حکومت به معنی پذیرش عقلانیت کناره گیری وی و پذیرش شعارهای مرگ باورانه نیست. دوگانگی حاکمیت گرچه امر مطلوبی نیست اما بهتر از یگانگی، آن هم حاکمیت یگانه مافیاست. استعفای خاتمی در این شرایط به نفع جامعه ایران نیست چون بلافاصله رفسنجانی جای وی را خواهد گرفت و خود وی و فلاحیان و بشارتی (که جنایاتش در جهرم و به چاه انداختن جسد مخالفان توسط وی و همکاران امروزی اش تشکیل شهره مردم جهرم و استان فارس است) در دولت ستاد عملیاتی برای سرکوب و قصابی مخالفان و "معتضان شبانه" خواهند داد. اما سخن من با خاتمی این است که در دوره باقی مانده "از برای خدا بخوان" (سخن سعدی خطاب به قاری ای که قران را با صوت دلخراش می خواند) تا پس از اتمام دوره با اندکی باقی مانده از محبوبیت قبلی حداقل بتوانید در میان مردم زندگی کنید، البته اگر نخواهید در ذیل سایه رهبر مافیا در نهاد های انتصابی رحل اقامت بیفکنید. خاتمی اگر می خواهد چیزی از خود برای مقام و نهاد ریاست جمهوری باقی بگذارد بهتر است تا پایان دوره سکوت کند و بعد با رفتن به خانه و پرهیز از مقامهای حکومتی اول کسی باشد که پس از پایان دوره انتخابی اش به تمامه از قدرت کناره گیری کرده است.

خاتمی همچنین باید از اعضای خانواده خود که سوار بر موج اصلاح طلبی به عرصه قدرت پا گذاشته اند یعنی برادران، علی (رئیس دفتر) و محمد رضا (نماینده مجلس که قبل از دوم خرداد هیچ کس حتی نام وی را نشنیده بود)، و دیگر اقوام که نمایندگان کرج و برخی شهرهای استان یزد هستند بخواهد که سکوت پیشه کنند چون عمر سیاسی اعضای خانواده نیز با عمر سیاسی خود وی به پایان می رسد. سخنان غیر همدلانه محمد رضا خاتمی در مورد دانشجویان اسمی و رسمی و نامگذاری برای محکوم و تایید کردن، در عین قرابت بسیار با ادبیات اقتدار گرایان - دقیقاً مثل تعابیری از قبیل روحانی نماو مسلمان نما که ابزار سرکوب قرار می گیرند - طلیعه همین پایان است.

1. شم غریزی مردم ایران و تجربه و شناختی که از سعیت مافیا دارند باعث شده که حرکتهای اخیر شبها انجام شود ولی ستاد عملیاتی مافیا نیروهای عملیاتی را سرعت به دوربین دید در شب و دیگر تجهیزات مربوطه خواهد کرد. لابد سرعت مافیای بیان اعلام خواهند کرد که آن دوربین ها نیز - مانند دست بند، باتوم های پلاستیکی و دیگر تجهیزات امنیتی و پلیسی - از بازار آزاد در پشت شهرداری تهران خریداری شده اند. این حرکت تنها شورش صرفاً شبانه در تاریخ حرکتهای اجتماعی در ایران است.